

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

مصاحبه کننده : پیکار پامیر
تورنتو

گفت و گوی اختصاصی با داکتر حسینہ رسولی

(فعال اقتصادی- اجتماعی در بخش زنان افغانستان)

درآمد : کارکنان ویسایت (افغانستان آزاد- آزاد افغانستان) سعی به عمل می آورند تا نگاهی به فعالین ادبی ، سیاسی و اجتماعی داخل کشور نیز داشته اندیشه ها ، کارکرد ها و برنامه های کاری آنان را روی صفحات این نشریه ی الکترونیکی انعکاس دهند تا خوانندگان عزیز را در این زمینه ها مطلع نگهداشته باشند. به همین سلسله ، داکتر "حسینہ رسولی" که اخیرا برای مدت کوتاهی از کشور محبوب ما(افغانستان) به کانادا سفر نموده است ، گفت و گویی دارد با همکار ما که اینک تقدیم میگردد:

سوال) محترمه داکتر حسینہ رسولی به شهر تورنتو خوش آمدید ؟

داکتر حسینہ رسولی) تشکر ، شما مهربان هستید .

سوال) اگر موافق باشید چند سوالی را با شما مطرح کنم تا خواننده های ما نیز از نظرات و کار کرد های تان آگاهی حاصل نمایند.

داکتر حسینہ رسولی) چرا نه ، بفرمایید .

سوال) لطفا اولتر بگویید که چه وقت به تورنتو تشریف آوردید ؟

داکتر حسینہ رسولی) من به دعوت موسسه ی (گلوبل وایس) که به شهر ادمنتون مربوط به ایالت البرتا موقعیت دارد ، به عنوان سپیکر یا سخنگو ، از افغانستان وارد کانادا شده و در هفته ی دوم ماه جون به دعوت محترمه آدینه نیازی موسس انجمن زنان افغان به شهر تورنتو آمدم .

سوال) در سخنرانی های تان در ادمنتون چه موضوعاتی را گنجانیده بودید ؟

جواب) باید علاوه کنم که نام مکمل این موسسه در ادمنتون به نام (البرتا کونسل گلوبل کوآپراشین) یاد میشود و در آنجا روی مسایل مربوط به مشکلات زنان افغانستان ، به خصوص در قرا و قصابات دور افتاده ی کشور ، نحوه ی کار ما با زنان و نیاز های آنان سخنرانی داشتم . بعدا از طرف موسسه (آکسفام) در شهر سسکچوان در کنفرانس مربوط به روز زن غرض سخنرانی دعوت شدم . متعاقبا ، از سوی (داترس آف افریکا) باز هم بمنظور سخنرانی به شهر (ریچاینا) از من دعوت صورت گرفت . از آنجا به یونیورسیتی شهر (ریدی) و کنفرانس طبی سسکچوان رفته باز هم به سخنرانی پرداختم .

سوال) چه کار هایی را میخواهید در ارتباط با انجمن زنان افغان در تورنتو انجام دهید؟

داکتر حسینه رسولی) آرزو دارم با تماسگیری با انجمن زنان افغان در تورنتو، آشنایی با شیوه های کاری آن و همکاری این موسسه بتوانم یک شبکه ی مرتبط با موسسه ی ما در افغانستان را برقرار نموده از این طریق برخی از امور مورد نیاز را به دست اجرا بگذاریم.

سوال) پس خواهش میکنم لطفا خود و کار های خودتان در افغانستان را به خوانندگان ما معرفی کنید؟
داکتر حسینه رسولی) چنانکه میدانید اسم من حسینه رسولی است. پدرم از بغلان و مادرم از کندز میباشد. من در شهر مزار شریف زندگی میکنم و تحصیلات خودم را نیز در همین شهر به پایان رسانیده ام. در صنف چهارم فاکولته ی طب بودم که هجوم طالبان بر مزار آغاز شد و من پس از آن در تیم داکتران بدون مرز و در موسسه ی (یونیسیف) به کار آغاز کردم. زمانیکه طالبان سقوط کردند، مجدداً به تحصیل پرداخته و فاکولته ی طب را به پایان بردم. چون وضع و حال مردم ما که به خصوص در نتیجه ی خشکسالی از اطراف به سوی شهر مزار رومی آوردند، بسیار رقت بار بود، در سال 2004 تصمیم گرفتم دفتری را به نام (انجمن فرهنگی دختران افغان) بگشایم و از همین طریق مصدر خدمت به زنان و دختران افغان شوم. همین اکنون کارمندان این دفتر را چهل دو نفر تشکیل میدهند که هفده نفر آنها پرسونل طبی هستند. در همین جا باید بگویم که به تعداد زیادی نرس، داکتر و یا فارمسست داریم، ولی متأسفانه کار برای آنها میسر نیست. مثلاً، فاکولته طب مزار در سال 2004 به تعداد یکصد و هشتاد و دو داکتر فارغ نمود و از آن جمله تنها هفت نفر موفق شدند کار دولتی حاصل نمایند. مشکل اساسی اینست که شفاخانه های ما عمدتاً در شهرها موقعبت دارند، در حالیکه افغانستان سی و چهار ولایت و سی و هفت هزار قریه دارد. قریه ها مثلاً در شمال کشور، غالباً در عقب کوه ها و میان دره ها و دور از انظار قرار گرفته اند. بنابراین، در قریه ها خدمات صحتی و اجتماعی سراغ نمیشود. وضع مالی قریه نشینان به حدی خراب است که در نهایت امر از محدوده ی مالداري بسیار کوچک بیرون شده نمیتوانند. روی همین دلیل ما تصمیم گرفتیم نوعی بزنس یا مصروفیت تجارتي را برای زنان افغان در قریه ها ایجاد نماییم. مثلاً، زنان و دخترانی که کار تولیدی میکنند، بتوانند در اثر تلاش های ما از یکطرف کیفیت تولید خودشان را بالا ببرند و از سوی دیگر، به خاطر فروش تولیدات آنها، بازار یابی صورت بگیرد. این کار، از یکطرف وضع مالی و اقتصادی خانم ها را به مرور زمان بهبود می بخشد و از طرف دیگر در کاهش میزان خشونت در خانواده های آنان موثر واقع میشود. متأسفانه زنان افغان نه تنها از نظر مالی دچار مضیقه هستند، بلکه از طرف شوهران شان هم مورد تهدید و خشونت دایمی قرار دارند. با در نظر داشت همین شرایط، ما طوری برای آنها کار و بازار یابی میکنیم که پول حاصله مستقیماً به دست خود زنها میرسد و موقعی که پول در اختیار خود آنها قرار میگیرد، طبعاً صاحب غرور و حیثیت اقتصادی در خانواده میشوند و این، در روند کاهش خشونت ها نقش دارد.

در بخش صحتی باید گفت که چون خودم یک داکتر هستم، میدانم که مادران و کودکان شان به خاطر نبود یک معالجه عادی جان های شان را از دست میدهند. وقتی از یک مادر در قرا و قصبات کشور می پرسیم چند فرزند داری، غالباً به جواب تان میگوید: "شکر خدا هفت طفل دارم و هشت تان آن مرده". یا وقتی تابستان میشود، در دور دست ها میگویند "طفل موری (طفل مرگی) آمده". دلیل اینست که طفل دچار بیماری اسهال میشود، مگر والدین نمیدانند چه کنند و یا به معالجه ی اساسی دسترسی ندارند. در فصل زمستان هم وقتی طفل ها سینه بغل میشوند، مرگ شان فرا میرسد. همچنان، تعداد زیاد مادران در موقع وضع حمل جان شان را از دست میدهند، علت اینست که چون چند تن محدود از دایه هایی که در آنجا موجود هستند، برای آنکه کارشان را کس دیگری نگیرد، دایه ی دیگری تربیه نمیکند. ما شاهد مرگ مادرانی هستیم که از کمک و رهنمایی دایه محروم بوده اند. بنابراین، ما به خاطر آنکه به زنان و مادران مساعدت کرده باشیم، کلینک های صحتی بنام (هلت یونت) ایجاد کردیم و از این طریق، اولتر از همه مرحله ی آموزش به مادران را به کار گرفتیم. مثلاً، به آنان میفهمانیم که دست ها را چطور بشویند، طفل را چگونه پاک نگهدارند و آنها را چسان تغذیه نمایند و غیره. این روش تا کنون بسیار مفید ثابت شده است. همچنان، ما موفق شدیم تا حال به تعداد یکهزار دایه در سه صد قریه مربوط بغلان، سمنگان، مزار و شیرغان تربیه و آماده بسازیم.

به سلسله ی همین فعالیت ها و مسافرت ها بود که من موفق شدم طی سفر اولم در سال 2005 به امریکا به ارزش سی و یکهزار دالر ادویه از (هلت دیپارتمنت انترنشنال) به دست آورده و کلینک صحتی مورد نظر در مزار شریف را تقویه نمایم. ما از همین دوا ها در کلینک صحتی خویش برای ناتوانان کمک میکنیم، چراکه وضع اقتصادی مردم ما به حدی خراب است که حتا نمیتوانند به ارزش یک دالر هم دوا خریداری نمایند. این نکته هم قابل تذکر است که مساعدتهای مالی جامعه ی بین المللی عموماً به شهر کابل و دیگر شهر ها و جا هایی که آباد تر است و مردم میتوانند مساعدت ها را ببینند، صورت میگیرد، در حالیکه حاجتمندان حقیقی بسیار دور از انظار دونه ها با مساعدت کننده ها زندگی میکنند. لهذا، ما میخواهیم در بیان این حقیقت و رسانیدن آواز این حاجتمندان به گوش دیگران و همچنان از طریق کمک رسانی به آنان الگو و نمونه باشیم. علی الرغم آنکه مشکلات زیادی پیش روی ما وجود دارد، کار کردن برای مردم هم ممکن میباشد. ما دیدیم که اگر مصممانه برای مردم کار صورت بگیرد، موفقیت هم در قبال آن وجود خواهد داشت. تجربه ی کاری چند ساله ی ما ثابت کننده ی این واقعیت میباشد.

آنانیکه به افغانستان کمک میکنند، باید بدانند که این کمک ها نباید منحصر به شهر کابل باشد، باید به آنانی هم کمک کنند که از انظار عمومی و انظار خارجی ها پنهان اند، یعنی در قرا و قصبات دور دست به سر میبرند.

سوال) تا اینجا از صحبت های شما چنین استنباط میشود که موسسه شما در دو بخش کار میکند : بخش صحتی و بخش بزنس یا تجارت . این درست است ؟

داکتر حسینه رسولی) موسسه ی ما در واقع ، در سه بخش فعالیت میکند : بخش آموزشی یا تئوری ، صحتی و تجارتی . بدین معنا که وقتی ما به قریه ها می رویم ، اولتر از همه با ملا ها ، ملک ها ، موسسیدان و اختیار داران قریه در تماس شده با صحبت ها و استدلال های دینی آنها را متقاعد میسازیم که زنان و دختران قابل کمک و همدردی هستند . البته ما نمیتوانیم به زنان و دختران کار سواد آموزی و تدریسی را انجام دهیم ، ولی اینکار را کرده میتوانیم که برای آنان بفهمانیم که انسان هستند و حقوق آنها چیست ؟ چطور میتوانند فرزندان شان را پرورش دهند؟ و باید دارای شخصیت باشند و . . .

یکی از دلایل موفقیت ما در این کار اینست که ما در هر قریه ، از میان زنان همان قریه نماینده تعیین کردیم تا پیام های ما را به دیگران برسانند ، زیرا آنها همیشه در میان مردم خود حاضر اند و میتوانند خوبتر هم کار کنند . سوال) آیا مفکوره و ابتکارات مربوط به چنین فعالیت ها تنها از شخص شماست و یا کسان دیگر و یا منابع دیگری هم در آن دخالت دارند ؟

داکتر حسینه رسولی) طوریکه گفتم ، پدرم از خوست فرنگ بغلان است و رفتن به آنجا (به خوست فرنگ) ایجاب پیمایش ده ها کیلو متر راه بالای کوه ها را مینماید و آنگاه که از طریق داکتران بدون مرز در چارچوب (یونسف) برای مهاجرین کار میکردم ، هر مهاجری که از فاصله های دور می آمد و برایش میگفتم که لباس کودک ات را از تنش بیرون بیا ، میگفت وقتی بچه کاملا کوچک بود ، همین لباس را به تنش کرده بودم و این همان لباس است . آنان آنقدر محروم و محتاج بودند که هرکسی به جای من می بود دلش به درد می آمد و شاید نسبت به من بیشتر کار میکرد . از اینکه من یک دوشیزه ی جوان هستم و اوضاع امنیتی هم چندان سازگار نیست ، والدینم غالبا در مورد من پریشان میباشند . ولی برایشان گفتم که من یک داکتر هستم ، باید در خدمت مردم خود باشم . همچنان برایشان یاد آوری کردم که اگر ما به جای همان مردمی باشیم که با هزار سختی در قریه ها و در پشت کوه ها زندگی میکنند ، چه انتظارمیداشته باشیم ؟ بالاخره والدینم قانع شدند .

سوال) ما شاهد صد ها هموطنی هستیم که احساس عاطفی دارند ، ولی نمیتوانند گام های عملی در راه خدمتگزاری برای هموطنان محتاج خویش بر دارند ، روی این دلیل ، کار و فعالیت شما در این عرصه ها قابل قدر است . ولی بگذار بپرسم که در اوضاع و شرایط کنونی که به خصوص از نظر امنیتی چندان اطمینان بخش نیست ، وقتی به سوی کوه ها و دره ها میروید ، چه تشویش و دشواری دارید ؟

داکتر حسینه رسولی) یک موضوع بسیار مهم است و آن اینکه مردان قریه وقتی به مسجد می روند ، از ملا ها می آموزند که با همسران و اعضای فامیل خویش چطور برخورد نمایند ، ما هم وقتی با زنان و مردان قریه مواجه میشویم ، به همان اساس با آنها پیشامد میکنیم ، در غیر آن ، صادقانه بگویم که تداوم جنگهای سی ساله در کشور ، موجب عوارض روانی زیادی در میان مردان و زنان وطن گردیده و بالای روشها اثر گذاشته است . مثلا، ما غالبا می بینیم که یک مرد یا یک زن در قریه ، برخورد دیوانه وار انجام میدهد . من ، در جریان کار و فعالیت خدماتی خویش هفت مرتبه مورد لت و کوب قرار گرفته ام ، بارها تهدید شده ام و گاهی هم سگ دیوانه را به جانم رها کرده اند . شما میدانید که وقتی کسی به خیر خود نفهمد و شما بخواهید او را متوجه خیر و فلاحش بسازید ، چقدر سخت تمام میشود . کار و تبلیغ در میان زنان ، آنهم در راه احقاق حقوق شان در اطراف کشور دشواریهای خاصی دارد ، زیرا مرد ها تصور میکنند که شاید زنها علیه شوهران شان تحریک شوند و اختلافات خانواده گی ایجاد شود . ولی ، هرگاه یکبار اعتماد مردم حاصل آید ، کار کردن هم در میان آنان آسان تر میشود . من ، وقتی به سوی قریه ها حرکت میکنم ، لباس مادرانم را به تن مینمایم تا دراز و پوشیده و سنتی باشد و نیز وقتی به قریه میرسیم ، برای ملای مسجد و اختیار داران قریه تحفه هایی هم تقدیم میکنیم تا از ما حمایت کنند . نکته ی جالب اینست که ما در حقیقت ، از مردم قرا و قصبات چندان هراسی نداریم ، مگر در شهر ها در هراس هستیم . چون منسوبین دولتی فکر میکنند که کار های ما نتایج خوبی بار خواهد آورد و این ، به نفع آنها نخواهد بود . بنابراین ، به جای آنکه ما را حمایت کنند ، حرکات و تحرکات منفی از خود بروز میدهند .

سوال) آیا منابع دولتی تا کنون حمایت مالی از شما به عمل آورده اند ؟

داکتر حسینه رسولی) نه تنها منابع دولتی تا حال هیچگونه حمایت ، رهنمایی و یا همدردی با ما نداشته و ندارند ، بلکه سعی میشود که ضرر هم به ما برسانند .

سوال) پس موسسه ی شما از سوی کدام منبع کمک و حمایت میشود ؟

داکتر حسینه رسولی) غرض حصول مساعدت های مالی ، مسافرت هایی به خارج داشته و دارم و این مسافرت ها کاملا بی نتیجه هم نبوده اند . در داخل افغانستان نیز دفاتر خارجی وجود دارند که ما را کمک میکنند . در مناطقی که ما کار میکنیم ، مناطق زراعتی ، مالدار ی و باغداری میباشند . در آنجا ها قالین باقی هم صورت میگیرد . بنابراین ، ما پروژه های مختلفی داریم و داشتیم . مثلا، برای پراسس میوه ی خشک و سایر تولیدات ، (پروپوزل) ترتیب میدهیم و به موسسات خارجی می سپاریم تا با در نظر داشت آن به موسسه ی ما کمک مالی نمایند . موسسات خارجی ، بودجه ی

کوچکی را به اختیار ما میگذارند. ما تلاش داریم که نه تنها به چهار ایالت و سه صد قریه، بلکه به نه ایالت شمال مصدر کار و خدمت شویم.

سوال) ما آرزو داریم نه تنها در چند ایالت شمال افغانستان، بلکه در سرتاسر کشور مصدرکار و خدمت شویم. داکتر حسینیه رسولی) شاید بارها شنیده باشید. در جایی گفته بودم که میخوام رییس جمهور افغانستان باشم. کسی برایم گفت اگر شما زنها متحد هستید، چرا میخواید تنها خودتان رییس جمهور باشید، چرا نمیگویید که فلان زن رییس جمهور باشد؟ نکته در اینجاست که من میخوام هدف خودم را بزرگ و بزرگتر تعیین نمایم تا مردم رنج دیده ی افغانستان را کمک و دستگیری نمایم. من خودم را خوشبخت احساس میکنم، زیرا زمانی بود که با خود میگفتم اگر بتوانم به یک نفر از محتاجان کشورم مفید تمام شوم، خوشحال خواهم شد، امروز الحمدالله قرا و قصبات چهار ولایت را که سه صد قریه میشود، تحت پوشش خدماتی خویش قرار داده ام.

سوال) تا همین اکنون، از نتایج کارها و فعالیت های تان راضی هستید؟ داکتر حسینیه رسولی) بلی، به اثر دعای پدر و مادرم، تا حال موفق بوده ام. تا وقتی که در میان اهالی قریه میباشم، خودم را فوق العاده خوشبخت احساس میکنم، زیرا آنها بی اندازه پاک و بی آرایش و با محبت هستند. گهگاه از کنار دیوار و یا درز دروازه های شان به سوی ما "کله کشک" میکنند. اینکار، به معنای غیرنورمال بودن آنها نیست، بلکه ناشی از منتهای حجب و حیا از یکطرف و دور ماندن شان از شهر و درس و تمدن شهری میباشد. با آنکه در عمق فقر و بیچاره گی به سر میبرند، وقتی از آنها می پرسیم که وضع زنده گی چطور است؟ با صفا ی کامل و با ایمان قوی پاسخ میدهد: "الحمد لله زنده گی خوب است، همه چیز به خوبی پیش میرود". اینجا است که من از مردم خود بسیار آموختم. خیلی ها هستند که زنده گی را در زرق و برق و ظواهر آن جست و جو مینمایند، ولی مردمان عزیز و دور افتاده ی ما زنده گی را در معنا و اصالت آن مینگرند.

سوال) در رابطه با مسافرتها ی کاری تان، تا کنون از کدام کشورها دیگر دیدن کرده اید؟ داکتر حسینیه رسولی) تا حال مسافرت های زیادی به کشورهای مختلف داشته ام. من در عین حال عضو سازمان (سوت ایشین وومن) یا سازمان زنان جنوب آسیا را نیز دارم که از پانزده کشور آسیای جنوبی تشکیل شده و من در آن از سوی کشور افغانستان نماینده گی میکنم. به همین دلیل به ممالک هند، بنگله دیش، پاکستان و غیره سفرها کرده ام. در ایالات متحده ی امریکا در ارتباط کارهای عملی، به شهرها و ایالات مختلف آن کشور مانند شیکاگو، اکلاهوا، مشیگن و غیره درسهای طبی و بزنی (نان پرافت بزنی) خواندم و همچنان در شفاخانه ها و کلینیک های مختلف این کشور به کارهای عملی در ارتباط با برنامه های ما در افغانستان پرداختم. و اما، این اولین بار است که به کانادا سفر میکنم.

سوال) شما در چارچوب این سازمان، چه کارهایی را انجام میدید؟ داکتر حسینیه رسولی) ما، در هر سه ماه یکبار در یکی از کشورهای عضو نشست داریم. طی این نشستها، ضمن تبادل نظر، انواع مشکلات زنان در کشورهای خودی را مطرح نموده راه حل های این مشکلات را جست و جو میکنیم و در عین حال، تجارب، روشها و آموزشهای مان در امور زنان را مبادله مینماییم. آنچه جالب است اینست که هر زمانیکه من طی سخنرانی هایم در چنین مجامع، نیازها، مشکلات و درد های زنان افغانستان را مطرح کرده ام، نماینده گان سایر کشورها گفته اند که با شنیدن سخنان تو، مشکلات خودمان را فراموش کردیم. معنی این سخن اینست که درد زنان افغانستان، دردی عمیق و مشکلات آنها، مشکلاتی عظیم است.

سوال) از سفر تان به کانادا چه نتیجه گرفتید؟ داکتر حسینیه رسولی) این موضوع را میتوانم با افتخار به شما بگویم که در طول زمان سخنرانی هایم در شهرها، موسسات و یونیورسیتی های کانادا، نه تنها توانستم دردها، خواستها و مشکلات مردم را به گوش کانادایی ها برسانم، بل، به این نتیجه هم رسیدم که شنونده ها و اشتراک کننده ها پیوسته اظهار میداشتند که خیلی خوشحال هستند که اوضاع و احوال زنان افغانستان را از زبان من به گونه ی مستقیم میشنوند. آنان، احساسات خوب و انسانی شان را ابراز میکردند. بنابراین، من از سفرم به کانادا راضی هستم و امیدوارم بتوانم شبکه ی کاری مان در بخش انجام برنامه های موسسه ی خویش گسترش بیشتر دهم.

سوال) داکتر صاحب! چون شما در افغانستان و در کنار مردم تان حضور دارید و اوضاع و احوال کشور را از نزدیک ملاحظه و لمس میکنید، بنابراین، میخوام بیرسم که اوضاع سیاسی - اجتماعی کشور را همین اکنون چگونه به ارزیابی میگیرید؟

داکتر حسینیه رسولی) میدانم منظور شما چیست. دیگران نیز طی تماسهای متعدد از من همین سوال را میکردند و می افزودند که آیا نیرو های نا تو در افغانستان باشد یا خیر؟ باید بگویم که در افغانستان اوضاع عجیبی حکمفرماست. ما، سختی ها و محرومیت های زیادی را در دوران طالبان و جنبش شمال تحمل کردیم و مردم ما در هراس اند که مبادا همان اوضاع تکرار شود. متأسفانه اکثریت مردم در این فکر اند که چگونه میتوانند از افغانستان بیرون روند. من میتوانم برداشت های خودم را بیان کنم و آن اینست که ادامه ی جنگ، آنهم در میان خود افغانها نمیتواند اصل مشکل را حل کند. اگر کسی به این فکر است که طالبان کشته و نابود میشوند، به نظر من درست نیست، زیرا اگر یک طالب کشته میشود، ده ها طالب دیگر پیدا میشوند. هرکدام آنها، کاکا و ماما و برادر و خواهر دارد و جنگ پایان نخواهد

یافت . مردم ما آرزو دارند لب نان و سرپناهی داشته و به آرامی زنده گی نمایند که همین قدر سهولت هم میسر نیست . مشکل بیکاری هم بیداد میکند . هزاران نفر از مهاجرت بر گشته اند ، ولی برایشان کار میسر نیست و مراکز درسی هم قدرت جذب همه جوانان را ندارد . تنها در مزار شریف ، به تعداد شانزده هزار جوان بی سرنوشت باقی ماندند . سوال) شما به حیث یک دوشیزه ی جوان ، تحصیل کرده و دلسوز میهن ، راه حل این همه مشکلات را چگونه جست و جو میکنید ؟

داکتر حسینہ رسولی (میخوام اینطور شروع کنم که مثلا ، اگر آقای کرزی کرسی اش را بمن تحویل دهد و من رییس جمهور شوم ، می پرسم که اینهمه کمکهای بین المللی به کجا میرود ؟ استفاده از عمارت های لوکس ، موتر های قیمتی (لندکروزر) ، استخدام کارمند های بیشمار و پرداخت معاشات گزاف چرا ؟ من ، مسوول بخش (هلت ایجوکیشن) در موسسه ی یونیسف بودم و عملا دیدم تا زمانیکه یکدانه پنسل به دست شاگرد مکتب میرسد ، قیمت آن هفتاد و چهار دالر تمام میشود ، از بسکه به جای کار و دلسوزی ، بیروکراسی و میتنگهای همه روزه و حرف و سخن است . وقتی اعتراض کرده بگویی که فلان چیز بسیار قیمت است ، به جواب ات میگویند " چه فرق میکند ، یونیسف مصرف را می پردازد " ، در حالیکه آنهمه پولهایی را که یونیسف به مصرف میرساند ، از جمله همان پولهایی است که جهان برای اطفال افغانستان می پردازد . یا ، در حالیکه ما آب فراوان و اساس بند های برق از سابق داریم ، مگر متاسفانه نیروی برق با پرداخت پول زیاد از ازبکستان یا تاجکستان خریداری میشود و ملیونها دالردیگر به مصرف لین دوانی آن رسا نیده میشود . باید پرسید که مقامات چرا در ساختن فابریکات اقدام نمیکند تا هزاران افغان بیکار و بی روزگار مصروف کار شود و تولیدات آن هم در خدمت مردم قرار گیرد؟ در عین حال من ، سخت مخالف موجودیت عساکر کانادایی در افغانستان هستم ، جنگ راه حل نبوده و نیست و ما تجارب تلخ گذشته را به تکرار گرفته ایم . باید بالاخره راه حل اساسی برای مشکلات افغانستان جست و جو گردد .

سوال) بعنوان سوال آخری باید پرسید که شما از افغانهایی که در خارج از کشور به سر میبرند ، چه انتظار دارید ؟ داکتر حسینہ رسولی (وقتی برای عده ای از هموطنان در خارج گفتم که باید به مردم تان کمک کنید ، متاسفانه جواب دادند که کومکهای ما هیچ موثریتی ندارد ، افغانستان و مشکلات آن زیاد است . در حالیکه فراموش مینمایند که قطره قطره دریا میشود و اگر به کمکهای شان ادامه دهند ، بالاخره درد ی دوا میشود . من میدانم که هموطنان ما در این کشور ها کار های سختی را انجام میدهند و تکس زیاد می پردازند ، باز هم اگر در این زمینه توجه نمایند ، خداوند برای شان برکت نصیب میکند . چونکه مردم ما سخت محتاج و محروم هستند . آرزو دارم حس عاطفه و وطنپرستی در وجود افغانهای ما زنده باشد .

داکتر صاحب ! از شما ممنون هستم که به انجام مصاحبه با ما حاضر شدید ، موفقیت تان را در راه خدمتگزاری به مردم شریف افغانستان استدعا میکنم . (پایان)